

تاریخ: ۱۳ اپریل ۲۰۱۱  
نوشته مذهب شاه (ظہوری)

به پاسخ نوشته های محترم، نوروز علی (ثابتی)

به اساس عنوان یکی از پروگرام های تلویزیون آریانا که از (گپ گپ میخیزد) و توسط مدیرمسئول محترم (مسکین یار) هفته وار پخش میگردد. نوشته هایم را آغاز می کنم. محترم نوروز علی (ثابتی) علاوه از نوشته های خون گران مانده شان به ارتباط الفبای انتخابی ام، بخشی از سوالات مقاله اولی شان مرا تحت پرسش قرار داده بود که می با یست پاسخ آن زود تر ارائه میگردد. اما روی نزاکت های اجتماعی و دلایل خاصی که به ارتباط نوشته های آن داشتم. نخواستم زودتر به جواب نوشته هایم بپردازم. ولی کنون برای اینکه از یکطرف از (گپ گپ میخیزد) و از جانبی هم صفحه زیبای سایت سیمای شغنان با کلمات و نوشته های درشت و غیر معقول لکه دار نشده باشد ایجاب می نماید که ما و تمام دوستان و قلم بدستان نوشته ها و مطالب خود را با تأمل و حوصله مندی برشته تحریر آورده با نوشته های محبت آمیز و با دلایل معقول صفحه سیمای شغنان را زینت بخشیم.

بطور مثال هدف اصلی و مشخص محترم (ثابتی) که در نوشته های مقاله دومی اش ثابت گردید. اگر مطالب خود را پیشنهاد گونه و دوستانه ارائه می نمودند بهتر تراز نوشته های مقاله اولی شان می بود. تا باعث ایجاد عقده های درونی و کسر شخصیت های جانب مقابل نمیکردند.

۱- قراریکه اشعار شغنانی شما را در صفحه سایت سیمای شغنان مطالعه نمودم بجز حرف (ب) پندک دار پشتوکه شما آنرا با چهار نقطه انتخاب و در جملات شغنانی بکار برده اید متبای حروف های نوشتاری تان همان الفبای انتخابی خود م است که شما در نوشتن اشعار شغنانی تان آنرا مورد استفاده قرار داده اید.

۲- همان شکلی که شما در آغوش مادر تان پرورش یافته اید و از زبان مادر تان کلمات شیرین شغنانی را یاد گرفته اید و زبان مادری خود را حفاظت می کنید و نمیگذارید بالای زبان تان تعدی صورت بگیرد مطمئن باشید که ما هم دور از دامن مادر خود پرورش نیافته ایم و چون شما و دیگران در دامن پر مهر مادر خود پرورش یافته و از زبان آن کلمات شیرین آموخته ایم، و کنون هم میخواهیم اندر توان فکر و ذهن خود جهت رشد این زبان، الفبا و اصول نوشتاری را با مشوره های سودمند سایر فرهنگیان و اهل نظر تعین و مصدر خدمت برای نسل های آینده مردم خود شویم.

۳- اگر محترم ثابتی صاحب نوشته های قبلی مرا در صفحه همین سایت مطالعه میکردند و یا معلومات کلی در باره نوشته هایم حاصل می نمودند مرا مخترع الفبای شغنانی نمی گفتند، زیرا من در نوشته هایم گاهی از اختراع و کشف الفبا سخن نگفته ام و ادعای آن را نداشته ام که الفبای شغنانی را اختراع نموده ام، بلکه تذکر داده ام که جهت نوشتن اشعار شغنانی ام از حروف فارسی، عربی و چند حرف از زبان پشتو از زبان های مردم کشور پاکستان انتخاب و مورد استفاده قرار داده ام. و هم چنان دوستان دیگر من هم چون علی شاه (صبار) و دیگران نیز گاهی ادعا نکرده اند که الفبای تحت استفاده شان را اختراع نموده اند، بلکه آنها نیز آنرا انتخاب نموده اند.

۴- در مورد اینکه در جمع بندی اسما، اشیا و بعضی افعال به عوض حرف (ه) باید (ی) معروف و یا (ی) مجهول نوشته شود خودم شخصاً طرفدار آن نیستم به خاطر اینکه در صورتیکه ما از جمله های (ذهن - ذهن - خهن - فهن) که شکل جمع بندی فعل را نشان میدهند حرف (ه) را حذف و به عوض آن حرف (ی) را جایگزین آن نماییم درین صورت اصل

جمع بندی تغییر نموده به جمله (ژین - زین - خین - فین) تبدیل میشود که درین حال صورت تلفظ و صوتی جمله بر هم خورده افاده جمله اصلی را نمیکند. بناً به نظر خودم زمانی که ما یک جمله شغنائی را نوشته میکنیم باید مطابق به تکلم و صوت زبانی مردم باشد، در غیر آن اگر جمله تلفظی ما یک چیز باشد و نوشتن آن به شکل دیگری صورت بگیرد نظریه برداشت خودم در زبان شغنائی لطمه ی وارد میگردد.

بطور مثال اگر به ارتباط موضوعی، کتابی را نوشته و تاء لیف کنیم و در آن کتاب اصل جملات شغنائی را یعنی (پرژهن) میفروشند (ژهژهن) میدهند (چهدهن) کارد ها (شهرهن) شهرها و امثال اینها را با حذف نمودن (ه) و جا بجا نمودن یکی از حرف های (ی) تحریر نماییم و کتاب متذکره بدسترس یکی از غیر شغنائی زبانها قرار بگیرد و او بعد از مطالعه جملات ذکر شده فوق را حفظ و در میان شغنی زبانها رفته با آنها به زبان شغنائی مکالمه نماید، آیا صورت تلفظ و صوت کلام آن با تلفظ و طریق ادا کردن شغنائی زبانها یکسان خواهد بود؟ جواب این است که هرگز نه، زیرا مو صوف جمله را با حرف (ی) حفظ کرده به همان طریق جمله را ادا میکند، ولی شغنائی زبانها عین جمله را به شکل درست و صحیح با حرف (ه) تلفظ میکنند.

بدان ملحوظ من طرفدار آن هستم هر جمله و هر کلمه ی که در زبان شغنائی در مکالمات روز مره بکار میرود جهت حفظ کلمه و جملات اصیل شغنائی، با تفکیک حروف، خود کلمه اصلی نوشته شود در غیر آن اگر صورت نوشتاری زبان ما رشد کند و این گونه تغییرات در نوشتن جملات شغنائی به میان بیاید، شکل گفتاری زبان شغنائی ما دگرگون خواهد شد.

۵- پرسیده اند که حرف (ف) را از کدام مرجع و چگونه داخل زبان شغنائی نموده ام؟ در مورد این سوال تان باید همان جوابی را که در مقاله اولی تان در حصره حرف (ث) چهار نقطه ی سندی ارائه داشته اید که ما (در قرن بیست و یکم زنده گی میکنیم) لذا ایجاب می نماید پاسخ سوال تان همان جواب خود شما باشد، اما برای اینکه ازین ناحیه مطمئن شده باشید می پردازم به پاسخ سوال شما.

به تعقیب نوشته های قبلی خود باز هم تذکر میدهم که این حرف را با دیگر حروف الفبای انتخابی ام جهت نوشتن اشعار شغنائی خود در سال (۱۳۴۹) انتخاب و الی سال (۱۳۸۳) در نوشتن اشعار قلمی خود از آن استفاده می نمودم و در سال (۱۳۸۴) نظر به سفارش خودم پسرم حبیب الله جان در شهر کراچی پاکستان حرف های مورد ضرورت نوشتار شغنائی مرا، اولاً در مکتب شهر کراچی از مضامین سندی و بعداً از صفحه کمپیوتر پیدا و بدسترس من قرار داد البته حرف (ژ) از جمله الفبای (بروشسکی) یکی از زبانهای پاکستانی بوده و حرف (ف) از جمله حروف عربی می باشد که در نوشته های اشعار شغنائی خود از آن استفاده می نمایم.

۶- نوشته اید که حرف (پ) پندک دار پشتو تازه ابداع نشده بلکه پشتو زبانها این حرف را ابداع نموده اند.

ثابتی صاحب - معلوم میشود که شما نوشته های قبلی مرا که در مورد انتخاب و تعیین الفبای شغنائی بود و از طریق سایت سیما شغنان توسط (پیکار) صاحب و توسط خودم به نشر رسیده مطالعه نکرده مرا متهم به اختراع و ابداع الفبایانموده اید.

محترم، (ثابتی) صاحب - مکرراً برای تان میگویم که من نگفته ام که این حرف و دیگر حرف ها را که در زبان شغنائی زیاد تر مورد استعمال هستند اختراع ابداع ویا کشف نموده ام بلکه تذکر داده ام که من الفبای ذکر شده را انتخاب نموده در نوشتن اشعار شغنائی از آنها استفاده برده ام و ضمناً اظهار نموده اید که در زبان پشتو دو نوع (ت - پ) موجود است که دو آوایی است و در تلفظ فرق میکند.

درین مورد باید گفت که در خواندن و نوشتن جملات شغنائی صرف از حرف (ت) عربی استفاده می‌گردد و حرف (ت) پندک دار پشتو چه در خواندن و چه در نوشتن بالای حرف (ت) - عربی جزء ی‌ترین تأثیر گذار نبوده در خواندن و نوشتن جملات شغنائی علاوه از اینکه هیچگونه مغالطه‌ی ایجاد نمی‌نماید بلکه هر سه حرف (ت - ث - ت) حرکات مربوط به خودشان را آزادانه انجام میدهند.

بنام حرف (ت) پندک دار پشتو را که از جمله حروف های زبان های وطن ما است نسبت به حرف (ث) چهار نقطه‌ی (کوله بار دار) سندی بهتر تر و مناسب تر میدانم، چنانچه خود شما نیز در نوشته های تان تذکر داده اید که اولاً ما کوشش می‌نماییم که از حروف فارسی و دری کار بگیریم، به خاطری که زبان ما از نقطه نظر ادبیات منطوقی تحت تأثیر زبان فارسی قرار گرفته است. بعداً متوسل می‌شویم بزبان پشتو که زبان دیگر رسمی در کشور است و بعضی حروف را از زبان پشتو اقتباس کنیم و در آخر می‌رویم به سراغ الفبای کشورهای و زبان های همسایه، و ضمناً قابل تذکر میدانم، شما که حرف (ث) چهار نقطه‌ی سندی را به صفت (ت) شغنائی انتخاب و مورد استفاده خود قرار داده اید، حرف متذکره نیز از جمله پنج حرف (ت) سندی بوده و در زبان سندی با نوک زبان خیلی ها خفیف خوانده میشود، مثلاً (تیلهو) یعنی بکس مکتب، لذا در صورتیکه این حرف در جملات شغنائی مستقیماً (تیر - خاکستر و تید - سوخت) را ادا نمیکند و چون حرف (ت) پشتو صدای حرف (ت) را ادا میکنند، بهتر نیست که ما در نوشتار شغنائی از حرف (ت) پشتو استفاده کنیم.

محترم، (ثابتی) صاحب - روی هم آهنگی فکری و نوشته های فوق در حالیکه مرام و نظریات هر دوی ما یک چیز باشد و ضمناً استفاده بردن حرف (ت) پشتو در نوشتن و خواندن زبان شغنائی جزء ی‌ترین مشکل و غلطی را به بار نمی‌آورد، ما چرا به جای حرف (ت) پشتو که هر دو زبان (در تکلم و نوشتار چون حروف (خ - ر - بن) باهم قرابت و شباهت دارند حرف (ث) چهار نقطه‌ی سندی را تحت استفاده خود قرار دهیم. گذشته ازین نویسنده گان و دانشمندان شغنائی زبان نظریات و مشوره های خرد مندانه شان را در زمینه ارائه خواهند فرمود.

نگاشته اید که باید اشعار و آثار شاعران گذشته و آثار شاعران معاصر را مورد مطالعه و بررسی قرار میدادیم که آنها از کدام گرافیم در اشعار شان کار گرفته اند. به اساس سوال شما لازم است در زمینه اندکی ابراز نظر نمایم.

ملا لاجین سال های خیلی ها قبل به شغنان تاجکستان رفته اثر مکمل آن بدسترس عامه قرار ندارد اگر موجود هم باشد شاید نزد ورثه های آن در منطقه نیمه باشد، اگرچه قسمتی از اشعار فارسی آن با دو قطعه شعر شغنائی آن در سال ۱۳۸۵ نزد استاد خوش نظر خان (پامیرزاد) در شهر کراچی بود که آنرا با الفبای انتخابی خودش ثبت کمپیو تر می نمود ولی اصل نسخه قلمی آن به قلم سید علی خان یکی از ورثه های شاعبد الفیض (پدرودی) و به قلم عبد الکریم خان یکی از باز مانده گان (ملا لاجین) مشترکاً نسخه بر داری شده بود. از اشعار شغنائی مرحوم (عدیم) اطلاع ندارم که چه تعداد بیت بزبان شغنائی سروده است صرف همین قدر بیاد دارم که یک پارچه شعر نامبرده را لطف علی (روشن دل) با صدای گیرای شان در عروسی ها زمزمه میکرد، ولی اگر اثری از اشعار شغنائی آن باقیمانده باشد حتماً بدسترس باز مانده گانش قرار دارد.

در مورد دو نفر فوق گفته میتوانم که برای تمام روشن فکران و استادان معلوم خواهد بود که این دو نفر شاعران توانای شغنان هیچ کدام بزبان و خواندن پشتو بلدیت نداشته در نوشتن اشعار شان از حروف های پشتو و یا از الفبای زبان های پاکستانی به کار نبرده از همین الفبای فارسی استفاده نموده باشند.

بعد ازین دو شاعر بر جسته تا جائیکه معلومات دارم کسی از هم عصر و هم زمان شان بزبان شغنائی اشعاری نسروده و نوشته های بی بجا نگذاشته است. اگر پدر کلان شما ملا قباد شاعر بوده و اشعار خود را نوشته و بجا مانده است اطمینان دارم با این الفبایی که مورد استفاده ما و شما قرار دارد، ملا قباد به آن آشنایی نداشته است و هم چنان در مورد شاعر بودن و شناسایی به نام ملا قباد اولین مرتبه است که در نوشته تان به نام آن آشنایی پیدا میکنم. اما نمیدانم که چرا با وصف شاعر بودنش حتی شهرت محلی نیز نداشته، همچو ملا لاجین نام آن بر سر زبان های بی سواد و با سواد شغنان نیست. خودم که در دوره مکتب ابتدائیه از دهکده شما یعنی از (توندت، دریف، تندیر، نیمده، بادوم - الی (قز، پروژ) در قریه جات بلدیته و با مردم آن آشنایی داشتم با آنکه از سال (۱۳۳۸) تا کنون صرف (۵۲) موسم بهار سال زنده گی ام را دور از وطن و مردم خود سپری نموده ام هنوز هم نام اشخاص آن دوره را با آنکه اکثریت شان رخت حیات بسته و چهره در نفاذ خاک پوشانیده اند، چهره ها و نام های شان تا الحال چون نقشی بر لوح دلم ثبت است. طور مثال چندی از گذشته گان قریه شما که در خواب ابد خفته اند و در زمان حیات شان آنها را دیده و می شناختم یاد آور میشوم.

قریدار پولاد و برادرانش هر یک قریدار شمس و حاکم بیک، و موی سفیدان دیگر معظم بیک، ملا شا فقیر، خلیفه مشکعلی شاه، رجب بیک نا بینا، آدینه محمد، و از جوانان آن منطقه شادمان بیک، رمضان، خلیفه جیم بای و برادرش و پدر شما ایلبان، خدا داد (دارجک) و از جمله همصنفی ها یم هر یک حمزه فرزند شافقیر، میرجم بیک، جمعه فرزند سوری، ابراهیم از رجیستک و غیره.

هدف این است که در آن زمان ها، اشخاص با سواد چون خلیفه، ملا، کاتب، میرزا، خواننده و نویسنده در بین مردم محل و در بین دیگر قریه جات معروف و قابل قدر بودند و همه آنها را می شناختند. به این ارتباط چون پدر کلان شما ملا قباد شخص با علم و شاعر بوده نام آن باید همچو ملا لاجین تا امروز بر سر زبان های مردم می بود. چنانچه نام همسایه شما ملا شا فقیر هم تا کنون در تمام قریه جات ها بر سر زبان های مردم است.

در مورد اشعار مرحوم غلام علیشاه (نصیری) باید گفت اشعار فارسی آن که در یک کتابچه کوچک نوشته شده بود همیشه بدخل جیب کورتی اش با خود داشت، ولی از اشعار شغنائی آن آگاهی ندارم، صرف یک پارچه شعر (شیر و شکر) شغنائی و فارسی آن که به جواب شعر شغنائی ام برایم ارسال نموده طور یادگاری درج کتابچه اشعار شغنائی ام گردیده است، اما صورت استفاده الفبای آن در نوشتن اشعار شغنائی از صورت نوشتاری قلمی ام تفاوتی نداشته است.

آثار شاعران جوان معاصر هر یک (واقفی و شاکری) علاوه از اینکه بدسترس من قرار نگرفته گمان میکنم که با آنها نیز معرفت نداشته ایشان را نمی شناسم ولی با جوانان با استعداد دیگر چون استاد محمد ناصر فرزند مرحوم حقسقال بیک خزانه دار، میرزا محمد فرزند عرب شاه ده مرغانی و سردار محمد (دوست) شناسایی کامل دارم که هر کدام شان دارای قریحه توانا بوده بزبان فارسی و شغنائی اشعار دل انگیزی را آفریده اثر ارزشمندی دارند.

محترم، ثابتی، صاحب - چون خودم روی مشکلات مو فق به مطالعه اثرگرانبهای ملا لاجین، و استاد (عظیم) نگر دیده ام در مورد اشعار و گرا فیم انتخابی شان نیز کوچکترین معلوماتی ندارم، ولی قراریکه حالا از گفتار تان معلوم میشود نزد شما موجود بوده آثار شان را مطالعه کرده اید امید وارم یک یک قطعه شعر شان را با گرافیمی که در نوشتن از آن استفاده نموده اند طور نمونه برای ادب دوستان در صفحه سایت شغنان نشر نمایند تا سبب از یاد معلومات ما گردد.

محترم، ثابتی، صاحب - در مقاله دومی تان تذکر داده اید که از جمله الفبای نوشتاری زبان شغنائی دو حرف آنراکه عبارت از (ژ - ف) می باشد در سال (۱۳۷۰) از پدرتان یاد گرفته و

یک حرف دیگر آنرا که عبارت از حرف (ث) پندک دار میباشد نظر به سلیقه ی که داشته اید خود شما آنرا پیدا کرده در نوشتن اشعار شغنائی مورد استفاده قرار داده اید. لهذا لازم میدانم درین مورد اندکی روشنی انداخته در موضوعی که آگای قبلی داشته اید یا خیر شما را در جریان بگذارم.

ثابتی صاحب - زمانی که روی احساس و علاقه مندی به زبان ما دری ام کم کم آغاز به شعر گفتن نمودم جهت نوشتن و یاد داشت نمودن اشعار شغنائی ام بعد از فکر دقیق به تعداد هفت حرفی که زیاد تر قرین و همخوانی به جملات شغنائی داشتند چهار حرف آنرا که عبارت از (خ - ح - ی - بن) میباشد از زبان پشتو و سه حرف آنرا که عبارت از (ث) پندک دار و (ڈ - ف) باشد بدون اینکه معلومات داشته باشم که اصلاً مربوط کدام زبان هستند نسبت قرین بودن شان به جملات شغنائی انتخاب و در نوشتن اشعارم به شمول دیگر الفبای فارسی و عربی از آن استفاده می نمودم ولی زمانیکه در سال ۱۳۶۱ از ریاست بانک انکشاف زراعتی موافقه اخذ و در مدیریت بانک انکشاف زراعتی ولایت بلخ مقرر شدم تیپستی را در آن مدیریت ام موختم و در فرصت مساعد بعضی از اشعار شغنائی ام را تیپ می نمودم. اما چون حرف (ث) پندک دار در ماشین تیپ موجود نبود اشعار تیپ شده ام ناقص به نظر میرسید روی این دلیل در برج جدی (۱۳۶۲) حرف متذکره را از الفبای انتخاب شده خود حذف و حرف (پ) پندک دار پشتو را به عوض آن انتخاب و تاکنون از آن استفاده نموده ام.

لهذا با اطمینان کلی گفته میتوانم این الفبایی که فعلاً تحت استفاده شما قرار دارد به استثنای حرف (ث) چهار نقطه، دیگر همان الفبای انتخاب شده ام است که در سال (۱۳۵۲) از مزار شریف به شغنان رفتم و توسط پسر کاکا ام خواهان شاه برای تعدادی از علاقه مندان نوشتن به زبان شغنائی دست بدست تکثیر و با الآخره بدسترس شما نیز قرار گرفت و دلیل مؤثق این است که این الفبای انتخابی ام مدت (۴۱) سال قبل، که از جمله هفت سال قبل از سال (۱۳۵۶) سال تولدی شما و (۲۲) سال قبل از (۱۳۷۱) آغاز شعر گفتن تان تعیین و انتخاب و مورد استفاده من و تعدادی از دوستانم قرار گرفته است لذا نباید ادعا کرد که مخصوصاً این سه حرف (ڈ - ف) و حرف (ث) پندک دار را شما و قبله گاه صاحب تان انتخاب و در نوشتن اشعار تان از آن استفاده نموده اید.

خلاصه اینکه اگر این الفبای تحت استفاده ما و شما قبل از تولد شما در نوشتارهای شغنائی بکار رفته باشد بدون دلیل مربوط خودم است ولی اگر موجود نباشد تعلق به الفبای انتخابی شما است، لهذا اینک جهت اطمینان شما چند صفحه از نوشته های اشعار قلمی سال های گذشته ام را عرض مطالعه تان تقدیم می نمایم همچنان مطمئنم که این الفبای انتخابی ام نزد دیگر دوستانم در شغنان نیز موجود باشد.

۱ ث ۲ خ ۳ ح ۴ ژ ۵ ز ۶ ذ ۷ نین و

۱ ف

هفت حروف فوق الذکر جهت نوشتن لایم سفنای تفسیر و مورد سفنای

قرارد گرفته بشود با احترام مذمت و تظلمی  
۹ زار ۱۰ ۱۳۴۹ ۹.۱۰.۴۹

نوت :- هر از این در هنگام طبع نمودن جمله حادی حروف «ت» شکستگی پیدا  
نماید به جهت سهولت نوشتن از این نقطه حرف «ت» صرف نظر نموده و صرف  
حرف «ت» بزرگ در پشتورا - صفت «حرف «ت»» تیر = خاکستر «تفسیر  
در تقاب نمودم که از این بعد در نوشتن بدان سفنای بعمل آید

۱  
۱۰  
۱۳۶۲

حروف فارسی ،

پ - چ - ژ - گ -

نقید دلند تا تو بهر نیادد و طاعت بکار

« ظهوره » یشی ایستجهت

نامیته بهک ارزخ در بار

۱۳۵۰ - ۱۱ - ۱۲

## « نظر که »

ترخه قسرا نظر که	وه بیو بسن قا خبر که
افینون قهر خند تا غوز پنج	هم ی غرقه هم ده پنج
بنیبت بر یک پر ذاد	فارجت بچکه مس ذاد
وه زاد بین تا نو زاد	قهر خد ارینین یف خت یاد
افینون قهر خند زخت باغ	یه ذاده ت مئه دل داغ
افینون دهر ذندست چه مید	ذاده قواله خله چید
وه زنده گشت خراب	میش دل وه جهت ست کباب
بنرم بچود یه بیسبرم	تر یا کیند کینده بنرم
میشرده قود لپ فرزین	قهر خنده ذاد خه رزین
چوده خه پنج مس سودا	لهده افسون مسرد دوا
خه غلخ بچینه پر ذاد	خدا ای بنیبت دت هونگ داد
هم بچود یه کافر	جوده غلخین مشافر



بنتر پیدندست یه خور	یوه ذاد قنراررد چار
ست کنیخ یه بیچاره	وم یوه یاد صزره
هرچا پتیود خه اولاد	خدری همیشد نید یگدث دلا
فلکین دخت اونیونند	دخت کارینین نست به چند
خه پیچ ترید هج مهک	ترمه چس ای تر یاک
استوندت و ندره غوز	میف مه گه پس خیل غوز
افیون جهوت ای پنجه	خه یت تو چود در بدر
غلت مسس نست تو نیمون	خه ملکت ذاد تو تاوان
پلکتیرت فلکث شد	هر چیز تو چیدند خه قدر
یه چیز ترد فایده نقد	به روز هجت بفت وه درد
از خه اولادت بیزار	افیون غمندنت بیار
خه وخت ته سه سه هسینار	تو مال خود افیون دار

تو رنگ که بند سپید سفید	تو پاک تاثیر تانقید
نله که چو زج تر تو خون	خوبت تو چسبید ایون
شکل کند غل خنده	چو زج پر هیچ تو تنه
ترخ کارین خیره کن	نه که پس تیر قهرها کن
تو عمر ایون نه مت باد	هر شهنت داد دست باد
خوزنان جت چود رسوا	تردنه لقم ایشر ا
تو وزونت تو مولا	بهش که تریاک یه بلا
دخترین ریج بهش پیمان	دش مردین <del>مهرش</del> لپ نادان
دخترین <del>تین</del>	ظالمینردین <del>مهرش</del> سلام
ایون بنیت ویت ارمان	نوجوانین از خوزنان
چهارت کنین ویت برنا	ایقین بهش قوم میده آرام

( ۱۵ )

از دین قرار بیوس  
خدا ای رحم کبیت ند

بیده همشرد چسنت چسنت  
افسون فروش سید تباہ

مسم شعر لهد و ظهوره  
افسون نه تیسم قصوره

۱۳۵۰ / ۱۱ / ۹

جهت شنیدن تلفظ و ملاحظه الفبای سندی با تصاویر آن، پیوند ذیل را باز نمائید.

<http://www.youtube.com/watch?v=Coc9zgN3PJY>

جهت شنیدن تلفظ و ملاحظه الفبای بروشسکی، پیوند ذیل را باز نمائید.

<http://www.youtube.com/watch?v=u1VDlog1xlw&feature=related>